



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته تاریخ گرایش ایران اسلامی

عنوان پایان نامه
**بررسی و تحلیل مواضع و رویکردهای روزنامه طوسی
(۱۳۲۸-۱۳۲۷ ق.ه)**

استاد راهنما
دکتر صفورا برومند

استاد مشاور
دکتر محمد امیر احمدزاده

پژوهشگر

ندا کلهر

دی ۱۳۹۶





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته تاریخ گرایش ایران اسلامی

عنوان پایان نامه
**بررسی و تحلیل مواضع و رویکردهای روزنامه طوسی
(۱۳۲۸-۱۳۲۷ ق.)**

استاد راهنما
دکتر صفورا برومند

استاد مشاور
دکتر محمد امیر احمدزاده

پژوهشگر

ندا کلهر

دی ۱۳۹۶

برگه ارزیابی پایان نامه

سپاسگزاری

از استاد راهنمای گرامیم، سرکار خانم دکتر صفورا برومند بسیار سپاسگذارم. چرا که بدون راهنمایی‌های ایشان نگارش این پایان‌نامه ممکن نبود. همچنین از استاد مشاورم، جناب آقای دکتر محمد امیر احمد زاده کمال تشکر را دارم. از سرکار خانم دکتر الهام ملکزاده و نظرات ارزشمند ایشان به عنوان استاد داور سپاسگذارم.

از سرکار خانم گودرزی به دلیل یاری‌ها و کمک‌های بی‌چشمداشت ایشان که بسیاری از سختی‌ها را برایم آسانتر نمودند، بی‌نهایت سپاسگذارم.

پس از مدت‌ها، پس از پیمودن راه‌های فراوان با حضور شیرین اساتید عزیزم، با راهنمایی‌هایشان و لحظه‌های زیبای آن دوران، نگاه‌های پدر و مادرم، با چشمانی پر از برق شوق، و زیبایی حضورشان، خستگی‌های این راه را به امید و روشنی راه تبدیل نمود.

امیدوارم بتوانم تمام این محبت‌ها را جبران کنم.

تقدیم

خدای را بسی شاکرم که از روی کرم، پدر و مادری فداکار نصیبم ساخته تا در سایه درخت پر بار وجودشان بیاسایم و از ریشه آنها شاخ و برگ گیرم و از سایه وجودشان در راه کسب علم و دانش تلاش نمایم. والدینی که بودنشان تاج افتخاری است بر سرم و نامشان دلیلی است بر بودنم، چرا که این دو وجود، پس از پروردگار، مایه هستی‌ام بوده‌اند، دستم را گرفتند و راه رفتن را در این وادی زندگی پر از فراز و نشیب آموختند. آموزگارانی که برایم زندگی، بودن و انسان بودن را معنا کردند.

تقدیم به وجود با ارزش‌تان.

چکیده

بازخوانی نقش روزنامه‌ها در دگرگونی‌های تاریخ معاصر ایران مبین این امر است که تهران، تبریز، اصفهان و شیراز نخستین شهرهای بودند که نشریات در آنها منتشر شد. نکته درخور توجه این است که در مقایسه با دیگر نقاط ایران در دوره قاجار، انتشار روزنامه در خراسان که یکی از بزرگ‌ترین ایالات ایران به شمار می‌رفت، با کمی تأخیر همراه بود. در ابتدا شاهد پیشتازی مهاجران در عرصه روزنامه‌نگاری خراسان هستیم و در ادامه با توجه به تحولات سیاسی- اجتماعی و تغییرِ فرمی- محتوایی نشریات، روزنامه‌نگاری خراسان نیز متحول و بومی می‌شود که نقطه‌ی عطفی در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران و به طور مشخص خراسان به شمار می‌رود. تحول مهم روزنامه‌نگاری خراسان، پس از مشروطه رقم خورد. دوره‌ای که فعالیت نشریات متکثر و متعددی را به دنبال دارد. یکی از روزنامه‌های مهم این دوره، روزنامه طوس است. این روزنامه به مدیر مسئولی میرزا هاشم قزوینی (محیط مافی) که از مهاجرین روزنامه نگار در مشهد بود و سردبیری ابوالقاسم نحوی به تاریخ ۶ ذیقعد ۱۳۲۷ هـ.ق همزمان با گشایش دور دوم مجلس شورای ملی با عنوان روزنامه «سیاسی، اخباری، اقتصادی، تاریخی، اخلاقی»، منتشر شد. در اخبار روزنامه طوس گونه‌ای تمایل به اندیشه دموکرات‌های مجلس دوم به چشم می‌خورد. نکته قابل توجه در رویکرد و عملکرد این روزنامه که بررسی آن را ضروری می‌کند؛ تعطیلی آن پس از چاپ ۵۸ شماره است. روزنامه‌ای که در دل تحولات زاده می‌شود و حتی در پاسخ به تعطیلی نشریات هم‌قطار خود به میدان می‌آید، ایفای نقش می‌نماید و به زیر کشیده می‌شود. با توجه به ویژگی‌های روزنامه طوس و دوران انتشار آن، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این پرسش است که روزنامه طوس مبتنی بر چه مواضع و رویکردهایی منتشر شد و نتیجه عملکرد آن چه بود؟ برای پاسخ به این پرسش از روش گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و آرشیوی و تبیین دستاوردها به شیوه توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. دستاوردهای حاصل از این پژوهش، از تایید فرضیه ارائه شده مبتنی بر رویکرد این روزنامه منطبق بر آرا و جهت‌گیری حزب دموکرات ایران حکایت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: روزنامه طوس، روزنامه‌نگاری، مشروطیت، مشهد، خراسان، حزب دموکرات ایران.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق.....	۱
۱-۱- مسأله پژوهش.....	۴
۱-۲- سوالات پژوهش.....	۵
۱-۳- فرضیات.....	۵
۱-۴- اهداف پژوهش.....	۵
۱-۵- قلمرو پژوهش.....	۶
۱-۶- اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۶
۱-۷- تعریف واژه‌ها و مفاهیم کلیدی.....	۶
۱-۸- روش پژوهش و تجزیه و تحلیل اطلاعات.....	۷
فصل دوم: شرایط اجتماعی و سیاسی مشهد از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۸ ق.....	۴
مقدمه.....	۱۰
۱-۱- مشهد و انقلاب مشروطه.....	۱۰
۲-۲- مروری بر پیشینه انتشار روزنامه در ایران.....	۲۱
۳-۲- قانون مطبوعات ۱۳۲۶ ق.....	۲۸
۴-۲- پیشینه انتشار روزنامه در خراسان تا انتشار توس.....	۳۰
۴-۲- ۱- روزنامه ادب.....	۳۰
۴-۲- ۲- روزنامه بشارت.....	۳۱
۴-۲- ۳- روزنامه خورشید.....	۳۱
۴-۲- ۴- روزنامه خراسان.....	۳۲
۴-۲- ۵- روزنامه بلدالامین.....	۳۲
فصل سوم: روزنامه طوس و بررسی و تحلیل مواضع و رویکردهای آن.....	۱۰
مقدمه.....	۳۴
۳-۱- علت انتشار طوس.....	۳۴
۳-۲- مدت انتشار روزنامه طوس.....	۳۴
۳-۳- مدیر مسئول روزنامه طوس.....	۳۶
۳-۴- کادر اجرایی و نویسندگان روزنامه طوس.....	۳۶

۳-۵-	مشخصات ظاهری و نرخ روزنامه طوس.....	۳۷
۳-۶-	مندرجات روزنامه طوس.....	۳۸
۳-۶-۱-	اخبار و تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی.....	۳۹
۴۰	ایرانیت و وطن پرستی؛ هسته‌ی هویت ایرانیان.....	
۴۱	قانون گرایی و شایسته سالاری.....	
۴۳	تساوی افراد در برابر قانون.....	
۴۴	نقد امپریالیسم و نفوذ روسیه در ایران.....	
۴۷	اخبار سیاسی خارجی.....	
۳-۶-۲-	اقدامات انجمن‌های ایالتی.....	۴۷
۳-۶-۳-	اطلاعیه‌های اداره نظمیه.....	۴۹
۳-۶-۴-	شرح حال نمایندگان منتخب خراسان در مجلس شورای ملی.....	۴۹
۳-۶-۵-	اعلان رخدادها و معرفی وضعیت اجتماعی مشهد.....	۵۰
۳-۶-۶-	اعلان‌های خرید و فروش.....	۵۰
۳-۶-۷-	روزنامه طوس و حزب دموکرات ایران.....	۵۱
۳۴	نتیجه‌گیری.....	
۶۵	نمودار توزیع فراوانی موضوعی مطالب روزنامه طوس.....	
۶۶	تصاویر.....	
۷۴	منابع و مأخذ.....	

پیشگفتار

وقوع جنگ‌های ایران و روسیه و شکست‌های نظامی ایران در سال‌های ۱۲۱۸ تا ۱۲۲۸ ق. و سپس سال‌های ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ ق.، زمینه‌ساز توجه به علل عقب‌ماندگی ایران از اروپا شد. سال‌های میانی قرن سیزده هجری قمری، آغاز تحرکات و تلاش‌هایی برای نوگرایی و تجدد در ایران بود. نیل بدین امر مستلزم ایجاد ساختارهای نو در عرصه آموزش و پرورش، نظام مالی و اداری ایران بود که به واسطه حکومت مرکزی مقتدر و یکپارچه میسر می‌شد. اروپا الگوی ایجاد این ساختارها قلمداد می‌شد. این فرآیند فکری پس از آشنایی ایرانیان با پیشرفت‌های اروپا آغاز شد و تلاش‌های عباس میرزا برای اصلاحات در ایران با اعزام نسلی از محصلان ایرانی به غرب تداوم یافت. قشر روشنفکر ایران که از تحصیل‌کردگان اروپا به شمار می‌رفتند، در ادامه حرکتی که با اصلاحات عباس میرزا شروع شد، زمینه‌های تداوم آگاهی و بیداری ایرانیان از فضای سیاسی و اجتماعی را فراهم کردند. تاسیس روزنامه‌های نو توسط قشر جدید تحصیل‌کرده و ایجاد فضای نقد و نقادی در جامعه نقطه آغاز آگاهی جمعی شامل افراد تحصیل‌کرده یا بی‌سواد ایران بود. اگرچه تهران و تبریز در انتشار روزنامه پیشقدم بودند، این روند به این دو شهر محدود نشد و در دیگر شهرهای مهم ایران رواج یافت. هر چند این روزنامه‌ها به صورت محدود و در بستر سیاست‌های حکومتی منتشر می‌شدند، اطلاعات مندرج در آنها در تنویر افکار عمومی تأثیرگذار بود.

روند انتشار رسمی روزنامه در خراسان به عنوان بزرگ‌ترین ایالت ایران از سال ۱۳۱۸ ق. و با چاپ روزنامه ادب آغاز شد. از این پس با توقف انتشار هر روزنامه، به فاصله یک یا دو ماه بعد، روزنامه دیگری منتشر شد که روزنامه‌های بشارت، خورشید، خراسان از آن جمله‌اند. در منابع مرتبط با تاریخ نشریات ایران و خراسان از این روزنامه‌ها یاد شده است. اما در بیشتر این منابع، روزنامه طوس که پس از روزنامه خراسان و هم‌زمان با نخستین روز از شروع مجلس دوره دوم شورای ملی منتشر شد، معرفی نشده است. دیگر اطلاعات موجود از این روزنامه نیز ناقص یا ضد و نقیض است. این امر در حالی است که روزنامه طوس از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۸ ق. به طور مستمر منتشر شد و بازخوانی مقالات آن از رویکرد انتقادی این روزنامه نسبت به اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشهد، خراسان و ایران حکایت می‌کند.

این پژوهش با بررسی نسخه موجود از این روزنامه، به بازخوانی تاریخ انتشار آن می‌پردازد و با استفاده از روش تحلیل محتوای مطبوعات، رویکردها و مواضع این روزنامه را بررسی می‌کند. جهت نیل بدین هدف، پژوهش حاضر از سه فصل تشکیل می‌شود. فصل اول به کلیات تحقیق شامل مساله، سوالات، فرضیات، اهداف، قلمرو، اهمیت و ضرورت پژوهش، تعریف واژه‌ها و مفاهیم کلیدی، روش پژوهش و تجزیه و تحلیل اطلاعات، اختصاص دارد. فصل دوم شامل شرایط اجتماعی و سیاسی مشهد از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۸ ق. شامل مباحثی درخصوص مشهد و انقلاب مشروطه، مروری بر پیشینه انتشار روزنامه در ایران و خراسان تا انتشار روزنامه طوس است تا زمینه‌های اجتماعی و سیاسی که به انتشار این روزنامه منجر شد، بررسی شود. در فصل سوم روزنامه طوس با محوریت مباحث مطرح در تحلیل محتوای مطبوعات، ازجمله مدت انتشار، مدیر مسئول و دیگر دست‌اندرکاران و نویسندگان مقالات روزنامه، مشخصات ظاهری و تغییرات نرخ آن و مندرجات روزنامه، معرفی و رویکردها و مواضع آن تحلیل می‌شود. بخش پایانی پژوهش نیز به بیان دستاوردهای حاصل از این پژوهش اختصاص دارد. در بیان مشکلات و موانع این پژوهش توجه به این نکته ضروری است که به علت نقص در مجموعه‌های موجود از روزنامه‌های قدیمی، امکان بازبازی تمام شماره‌های روزنامه طوس میسر نشد و تنها نسخه‌های موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی که به صورت اسکن‌شده در دسترس است، بررسی شد. نویسنده این پژوهش بر

خود واجب می‌داند تا مراتب تقدیر و تشکر خود را از مسئولین محترم کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، کتابخانه گروه علوم ارتباطات دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی، کتابخانه امام صادق (ع) قزوین، کتابخانه و موزه ملی ملک اعلام نماید. امید که این پژوهش گامی باشد برای بازشناسی روزنامه‌های گمنامی که برای آگاهی‌رسانی به جامعه و در مسیر ارتقای فرهنگ ایران‌زمین تلاش کردند.

ندا کلهر

بهمن ۱۳۹۶

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱-مسأله پژوهش

تاریخ تحولات سیاسی- اجتماعی ایران معاصر را فارغ از کنش‌های روشنگرانه آن نمی‌توان بررسی کرد. کنش‌هایی که برای نیل به تجدد و فراگیر کردن مفاهیمی نو صورت گرفت. اعمالی که با انگیزه‌های دیوانی و اطلاع‌رسانی پا به عرصه گذاشت و در ادامه با علائق و رویه‌های روشنفکری و متجددانه متبلور شد. آموزش، نقد و روشنگری، حاصل این تحرک اجتماعی بود و روزنامه یکی از ابزارهای شاخص پیمودن این مسیر به شمار می‌رفت. بدین ترتیب، روزنامه‌نگاری در دوره‌ای از تاریخ معاصر، در مسیر کنش‌گری سیاسی- اجتماعی قرار گرفت و به پایگاهی برای روشنفکران تبدیل شد. این حرکت در مسیر خود با چالش‌های فراوانی دست به گریبان بود و فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذاشت.

ارائه تحلیلی تاریخی برای روایت روزنامه‌نگاری در ایران معاصر، بدون بررسی و شناسایی تاثیرگذاری و تاثیرپذیری جریان‌ات سیاسی و روشنفکری در فضای حاکم و عملکرد روزنامه‌ها امکان‌پذیر نیست. این تحلیل، محقق تاریخ مطبوعات ایران را به نقطه عطف تاریخ معاصر یعنی جنبش مشروطه هدایت می‌کند و آن را به عنوان مرزی برای تحول در عرصه روزنامه‌نگاری قرار می‌دهد. این تقسیم‌بندی هر چند با تسامح صورت می‌گیرد ولی واقعیاتی را نشان می‌دهد که همان مشارکت بیش از پیش مردم و روشنفکران در امور بالادستی را حکایت می‌کند.

بازخوانی نقش روزنامه‌ها در دگرگونی‌های تاریخ معاصر ایران مبین این امر است که تهران، تبریز، اصفهان و شیراز نخستین شهرهای بودند که نشریات در آنها منتشر شد. به دیگر سخن روزنامه‌های منتشر شده در این شهرها به نسبت همسویی با یکی از جریان‌های سیاسی و روشنفکری و تعلق خاطر به آنها در مسیری نسبتاً مشخص مشارکت داشتند. البته بیش از نقش جریان‌ات سیاسی و روشنفکری در نشریات، نقش افراد در هدایت و پیش‌برد روزنامه‌ها مبرهن بوده است. بطوریکه هر روزنامه با نام یک شخص پیوند می‌خورد. هر چند این فرد نماینده‌ی تفکر و جریان خاص باشد.

نکته درخور توجه این است که انتشار روزنامه در خراسان که یکی از بزرگ‌ترین ایالات ایران به شمار می‌رفت، با کمی تاخیر همراه بود. ابتدا مهاجران در عرصه روزنامه‌نگاری خراسان پیشگام شدند و در ادامه با توجه به تحولات سیاسی- اجتماعی و تغییر فرمی- محتوایی نشریات، روزنامه‌نگاری خراسان نیز متحول و بومی شد که این امر، نقطه عطفی در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران و به طور مشخص خراسان به شمار می‌رود.

در دوره نخست روزنامه‌نگاری خراسان، میرزا علی نائینی در چهار شماره و طی نخستین سفر ناصرالدین شاه به مشهد، روزنامه‌ی «اردوی همایون» را در سال ۱۲۸۴ هـ.ق منتشر کرد که نخستین نشریه ادواری سفر در ایران محسوب می‌شود. اما روزنامه‌نگاری رسمی خراسان در سال ۱۳۱۸ هـ.ق با چاپ روزنامه «ادب» آغاز می‌شود. درواقع به نوعی دوره دوم روزنامه‌نگاری در ایران با این روزنامه پیوند نزدیکی دارد. تحول مهم روزنامه‌نگاری در خراسان، پس از مشروطه رقم خورد و به انتشار روزنامه‌های بشارت، خورشید و خراسان منجر شد. یکی از روزنامه‌های این دوره، روزنامه طوس است. این روزنامه به مدیر مسئولی میرزا هاشم قزوینی (محیط مافی) که از مهاجرین روزنامه‌نگار در مشهد بود و سردبیری ابوالقاسم نحوی به تاریخ ۶ ذیقعد ۱۳۲۷ هـ.ق همزمان با گشایش دور دوم مجلس شورای ملی با عنوان روزنامه «سیاسی، اخباری، اقتصادی، تاریخی،

اخلاقی»، منتشر شد. به رغم این که روزنامه طوس در دوران انتشار تنها روزنامه چاپ مشهد و خراسان بود، در منابع مرتبط با تاریخ جراید در ایران و به ویژه خراسان، روزنامه طوس که همزمان با نخستین روز از شروع مجلس دوره دوم شورای ملی منتشر شد، معرفی نشده است. دیگر اطلاعات موجود از این روزنامه نیز ناقص یا ضد و نقیض است. نکته قابل توجه در رویکرد و عملکرد این روزنامه که بررسی آن را ضروری می‌کند؛ تعطیلی آن پس از چاپ ۵۸ شماره است. گزارش‌هایی مبنی بر چاپ مجدد آن در دست است که تا دو سال ادامه می‌یابد و سرانجام با دخالت نمایندگی روسیه در ایران توقیف می‌شود. طوس روزنامه‌ای است که در دل تحولات زاده می‌شود و حتی در پاسخ به تعطیلی نشریات هم‌قطار خود به میدان می‌آید، ایفای نقش می‌نماید و به زیر کشیده می‌شود. با توجه به ویژگی‌های روزنامه طوس و دوران انتشار آن، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این پرسش است که:

روزنامه طوس مبتنی بر چه مواضع و رویکردهایی منتشر شد و نتیجه عملکرد آن چه بود؟

۱-۲- سوالات پژوهش

- ۱- علل انتشار روزنامه طوس چه بود؟
- ۲- چه اطلاعاتی از مبانی فکری و رویکرد مدیر مسئول و سردبیر روزنامه طوس در دست است؟
- ۳- ساختار خبری و اطلاع‌رسانی این روزنامه بر چه مبنایی قرار داشت؟
- ۴- دلایل تعطیلی این روزنامه چه بود؟

۱-۳- فرضیات

فرضیه اصلی:

رویکرد و مواضع روزنامه طوس مبتنی بر جهت‌گیری حزب دموکرات بود.

فرضیه‌های فرعی:

- ۱- روزنامه طوس برای پر کردن خلا رسانه‌ای دموکرات‌ها در خراسان پا به میدان گذاشت.
- ۲- درخصوص مواضع مدیر مسئول و سردبیر روزنامه طوس اطلاعات مستندی در دست نیست.
- ۳- ساختار خبری روزنامه بر پایه‌ی خبرسانی عمومی و تحلیل اخبار داخلی و خارجی بوده است.
- ۴- رویه سیاسی نزدیک روزنامه به دموکرات‌ها و مخالفت روس‌ها باعث تعطیلی روزنامه شد.

۱-۴- اهداف پژوهش

الف) روشن ساختن عملکرد و تاثیر متقابل روزنامه طوس با فضای پیرامون خود

ب) نشان دادن تحولات سیاسی- اجتماعی دوران مورد بحث در نسبت با مقاومت‌های مدنی

پ) نشان دادن عملکرد روزنامه طوس و اهمیت آن در تاریخ کنش‌گری اجتماعی

ت) بررسی آرا و افکار سردبیر و مدیر مسئول این روزنامه

۱-۵- قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی: محدوده مکانی کشور ایران از اوایل دوره قاجار تا پس از مشروطه با نگاه دقیق‌تری به خراسان.

ب) قلمرو زمانی: محدوده‌ی سال‌های مرتبط با رخداد‌های مشروطه و دوره پس از تعطیلی روزنامه طوس در سال ۱۳۲۸ ه.ق. با توجه به این که نسخه‌های سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ ق. موجود نیست و تنها یک نسخه از شماره ۱۳ چاپ سال ۱۳۳۰ ق. به دست آمده است، تمرکز این پژوهش بر دوره نخست چاپ این مقاله از ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۸ ق. است.

ج) قلمرو موضوعی: بررسی عملکرد و تأثیرات روزنامه طوس در نسبت با شرایط سیاسی- اجتماعی آن دوره.

۱-۶- اهمیت و ضرورت پژوهش

روزنامه طوس رسانه‌ای است مبین دگرگونی‌های اندیشه و رویکرد بخشی از جامعه خراسان در دوره مشروطه و پس از آن. با توجه به این که پژوهش مستقلی در مورد روزنامه طوس و تعاملات محیط پیرامون و عملکرد این روزنامه وجود ندارد، بر ضرورت کار افزوده می‌شود. یکی از دلایل برگزیدن این روزنامه، برخورد انتقادی آن است که سرانجام به تعطیلی آن می‌انجامد. در واقع سیر مقاومت و عمل‌گری سیاسی- اجتماعی این روزنامه شرایط زمانه‌ای را مشخص خواهد کرد و مسیر روشنگری و نقش افراد مورد نظر در این مسیر را روشن خواهد ساخت.

۱-۷- تعریف واژه‌ها و مفاهیم کلیدی

روزنامه: نشریه‌ای است شامل اخبار روز که به صورت مسلسل منتشر می‌شود. نخستین نامی که برای نشریه‌ای بدین شکل در زبان فارسی به کار رفته است، «کاغذ اخبار» است که برگردانی است از واژه Newspaper و قدیم‌ترین نشانه از به کار بردن آن در روزنامه کالکوتا گزت (Calcutta Gazette) چاپ سال ۱۲۰۲ ق. / ۱۷۸۸ م. است. این واژه در هند به کار رفته و به ایران راه یافته است. واژگانی چون کاغذ، کاغذات، اخبار، اخبارات و اخبارها نیز جایگزین آن شده است. واژه متداول دیگر که به روزنامه اطلاق شده است، گذت، گزت یا گارت است. از نخستین نشانه‌های کاربرد واژه روزنامه در ایران به خبری در کاغذ اخبار میرزا صالح شیرازی اشاره کرد. در سال ۱۲۶۷ ق. وقایع اتفاقیه نیز با عنوان روزنامه (روزنامه‌چه) منتشر شد (پروین، ۱۳۷۷: ۲۷-۲۴)

طوس (توس): نام پهلوانی اسطوره‌ای در اوستا که در فقرات ۵۳ و ۵۴ آبان‌یشت از او یاد شده است. وی شاهزاده‌ای ایرانی و فرزند نوذر شهریار است که در نبرد با تورانیان شرکت داشت و فرمانده سپاه ایران بود. کیخسرو سپهبداری ایران، درفش کاویانی و زرینه کفش را به وی بخشید و به فرمانروایی خراسان برگزید (رستگار فسائی، ج ۱، ۶۶۸-۶۶۱). طوس نام یکی از شهرهای قدیمی خراسان رضوی است. در منابع یونانی نام آن Suisa نوشته شده است و شهری بوده است که شوکران آن شهرت داشته است (Pliny, *Natural History* ۲۵، ۱۵۴) در لغت‌نامه دهخدا نیز معنی دیگر طوس، دارویی است برای حفظ صحت. طوس در قرون میانه هجری قمری، ولایتی به شمار می‌رفته است که نوقان، طابران و سناباد بخشی از آن محسوب می‌شده‌اند. اما به واسطه رونق یافتن نیشابور، به تدریج از اهمیت آن کاسته می‌شود (لغت‌نامه دهخدا، ج ۹، ۱۳۷۱۱-۱۳۷۱۲). تعداد درخور توجهی از رجال علمی و سیاسی از شهر طوس برآمدند. از جمله: جابر بن حیان، فردوسی، خواجه نظام الملک، محمد بن اسلم، امام محمد غزالی و خواجه نصیرالدین. در این پژوهش، نام روزنامه‌ای است که طی سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۸ ق. در مشهد منتشر شده است. درخصوص علت اطلاق نام طوس به نشریه مورد نظر، اطلاع دقیقی در دست نیست و در متن نشریه نیز به آن اشاره نشده است. جایگاه و خویشکاری طوس (توس) پهلوان شاهنامه و قدمت شهر طوس را نیز می‌توان از علل انتخاب این نام برای نشریه مورد بحث قلمداد کرد.

۱-۸- روش پژوهش و تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش گردآوری مستندات و اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به شیوه توصیفی-تحلیلی است و مبتنی بر روش تحقیق در محتوای مطبوعات است. بدین ترتیب، پس از بررسی مقدماتی (Pilot Study) اطلاعات گردآوری شده کامل می‌شود و پرسش‌ها و فرضیه‌های مرتبط با آنها طراحی شده و با تکمیل مراحل پژوهش و تدوین فصل‌ها، صحت یا عدم صحت فرضیه‌ها بررسی می‌شود. برای بررسی روزنامه منطبق بر روش تحقیق در محتوای مطبوعات، الگوی ارائه شده توسط دکتر کاظم معتمدنژاد انتخاب شد (معتمدنژاد، ۱۳۵۶). در این الگو، مباحثی چون شناخت روزنامه، مشخصات آن، شرایط اداره و انتشار، عناصر اصلی روزنامه شامل صفحه اول، صفحات اختصاصی، صفحات محلی، آگهی‌ها، تیترها، تصویرها و متن‌ها، طبقه‌بندی مطالب از لحاظ نوع روزنامه‌نگاری شامل اخبار و کمیت آنها، طرز تهیه اخبار به صورت رپورتاژ (گزارش)، آنکت (گزارش تحقیقی)، مصاحبه، خبرهای ستون‌ها و صفحات اختصاصی، اخبار سیاسی، اخبار خارجی، اخبار فضایی، اخبار هنری، مقالات و تصاویر غیر خبری (شامل مقالات تفسیری، تشریحی و انتقادی)، منابع و مآخذ خبری، نمونه‌گیری اخبار، عناصر ارزش‌گذاری (شامل محل چاپ مطلب، اهمیت تیتراژ، طرز ارائه مطلب و حروف‌چینی آن بررسی و معرفی می‌شود.

۱-۹- پیشینه پژوهش

درخصوص روزنامه طوس، تاریخچه و رویکردهای آن متن مستقلی منتشر نشده است و منابع مرتبط با تاریخ مطبوعات در ایران نیز یا این روزنامه را معرفی نکردند یا به اختصار و با برخی تناقض‌ها به معرفی آن پرداخته‌اند.

بدین ترتیب، پژوهش حاضر، نخستین اثر مستقل درخصوص این روزنامه به شمار می‌رود. در بازشناسی و بازخوانی پیشینه و عملکرد روزنامه طوس، از نسخه موجود این روزنامه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، که به صورت لوح فشرده منتشر شده است، مجموعه منابعی شامل منابع مرتبط با تاریخ مطبوعات ایران و متون تاریخی شامل روزنامه‌ها، کتاب‌ها و مقالات مرتبط با نهضت مشروطه، استفاده شد. برخی از منابعی که به نوعی با موضوع این پژوهش مرتبط می‌شوند، عبارتند از:

- «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت»، اثر ادوارد براون که در این اثر در کنار معرفی سایر مطبوعات دوران مورد بحث، به اختصار به مشخصات ظاهری روزنامه طوس برگرفته از یادداشت‌های رابینو و نسخه‌های در اختیار براون پرداخته شده است.
- «تاریخ جراید و مجلات ایران» اثر محمد صدر هاشمی از آثاری است که به نسبت با تفصیل بیشتری به روزنامه طوس پرداخته و اطلاعاتی را درخصوص علت و دوران انتشار آن بیان می‌کند.
- «تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران» اثر محمد محیط طباطبایی که کمابیش همان اطلاعات منبع پیشین را شامل می‌شود.
- «مطبوعات ایران در قرن بیستم، راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار (۱۲۱۵-۱۳۰۴)» اثر سید فرید قاسمی به معرفی نخستینه‌های مطبوعات و تاریخ شفاهی مطبوعات ایران می‌پردازد و به اختصار از طوس یاد می‌کند.
- «تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان» اثر ناصرالدین پروین، که به رغم پرداختن به رخدادهای تأثیرگذار بر روند شکل‌گیری و انتشار روزنامه‌ها، در معرفی روزنامه‌های خراسان، از روزنامه طوس نام نمی‌برد.
- مقاله «بررسی شکلی و محتوایی روزنامه خورشید (دوره مشروطیت)» اثر محمد بی‌طرفان، تحلیلی محتوایی از این روزنامه که پیش از طوس منتشر می‌شده است و شرایط حاکم بر مشهد و خراسان در دوران مورد را به دست می‌دهد.
- مقاله «خراسان، مهم‌ترین روزنامه خراسان در انقلاب مشروطه» اثر محمد گلبن، که نقش روزنامه طوس را در بیداری مردم مشهد کمرنگ قلمداد می‌کند و بر نقش تأثیرگذار روزنامه خراسان تأکید دارد.
- مقاله «آغاز روزنامه‌نگاری در خراسان» اثر حسین الهی به شکل‌گیری روزنامه‌نگاری در خراسان می‌پردازد و به اختصار از روزنامه طوس یاد می‌کند.
- مقاله «پیشینه مطبوعات در ایران» اثر فیاض زاهد که به ظهور مطبوعات در ایران و آشنایی مردم با روزنامه می‌پردازد و به بررسی شکل‌گیری نخستین روزنامه‌ها از دوره ناصرالدین شاه تا دوره مظفری و دوره مشروطه می‌پردازد و به صورت مختصر تعدادی از روزنامه‌ها را بررسی می‌کند و از طوس نام می‌برد.
- مقاله «نخستینه‌های مطبوعات خراسان» اثر ابراهیم حافظی که روزنامه طوس را معرفی نکرده است.

در آثار یاد شده، یا از روزنامه طوس نامی برده نشده است یا تنها به ذکر نام و معرفی بسیار مختصر از زمان انتشار آن اکتفا شده است که در توصیف محدوده زمانی انتشار آن تناقض‌هایی مشهود است.

فصل دوم: شرایط اجتماعی و سیاسی مشهد
از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۸ ق.

مقدمه

روزنامه همانند هر رسانه‌ای که به گردآوری، تجزیه و تحلیل و اطلاع‌رسانی اخبار جامعه می‌پردازد، از بطن جامعه تولید می‌شود، آیین رخدادهای، نیازها و تمایلات جامعه به شمار می‌رود، تحت تأثیر فضای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر جامعه است و در پیوند دوسویه‌ای با جامعه قرار دارد. در این پیوند، روزنامه در پاسخ به نیاز و تقاضای جامعه برای اطلاع از رخدادهای تولید می‌شود و از این منظر، طبق تقاضا و رویکرد مخاطب به تهیه و انتشار خبر می‌پردازد. از سوی دیگر، روزنامه می‌تواند با هدف و آینده‌نگری خاص، به تولید خبر بپردازد و به گونه‌ای غیر مستقیم، آرا و رویکردهایی را به جامعه منتقل کند و در شکل‌گیری اندیشه و رفتار اجتماعی موثر باشد. از اینرو، در بررسی عملکرد روزنامه، بازشناسی فضای اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه مرتبط با این رسانه و آشنایی با نیازها و ضرورت‌هایی که به انتشار روزنامه منجر شده است، اجتناب ناپذیر و ضروری است. همچنین، شیوه تأثیرگذاری روزنامه بر جامعه از دیگر ضرورت‌هایی است که در تجزیه و تحلیل کارکرد این رسانه مد نظر قرار می‌گیرد. در این فصل، به منظور بازشناسی زمینه‌های انتشار روزنامه طوس، شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر خراسان و به ویژه مشهد در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۹ ق.، بررسی می‌شود.

۲-۱- مشهد و انقلاب مشروطه

مشهد از نیمه قرن دوازدهم قمری و به دنبال رخدادهای سیاسی پس از مرگ نادرشاه (م. ۱۱۶۰ ق.)، به یکی از مراکز قدرت سیاسی تبدیل شد و تا آغاز قرن سیزدهم قمری، بخشی از مناقشات مدعیان حکومت در این خطه متمرکز بود (Avery, ۲۰۰۷: ۵۹-۶۲). مشهد در دوران قاجار نیز به عنوان مرکز یکی از بزرگ‌ترین ایالات ایران و یکی از ایالات مرزی این سرزمین از اهمیت برخوردار بود. مسئله هرات و افغانستان، ترکمنان و روسیه و جایگاه خراسان در مناسبات تجاری با هند و آسیای میانه، جغرافیای کشاورزی و معادن این منطقه از مولفه‌هایی بود که بر اهمیت مشهد در ساختار حکومتی و کشورداری قاجار می‌افزود. اگرچه محدوده جغرافیایی خراسان در نیمه دوران حکمرانی ناصرالدین شاه قاجار کوچک شد، هرگز آن جاذبه و کشمکشی که منجر به رقابت شاهزادگان قاجار بر سر تصاحب آن می‌شد را از دست نداد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۵۴). آستان قدس رضوی نیز بی‌شک عاملی تأثیرگذار بر منزلت مشهد به عنوان شهری مذهبی و زیارتی بود. اقدامات اللهیارخان آصف‌الدوله بیگلریگی قاجار و فرزندانش برای کسب استقلال در خراسان که با تدبیر امیرکبیر خنثی شد، از دیگر رخدادهایی است که از اهمیت این ناحیه در تاریخ دوره قاجار حکایت می‌کند. (سعادت‌نوری، آصف‌الدوله‌ها، ص ۴۶۷-۴۶۲) اگرچه سیاست ناصرالدین شاه بر این امر متمرکز بود که خراسان را از تعامل با دولت‌های خارجی دور نگاه‌دارد و به همین سبب در سال ۱۳۰۲ ق. با احداث جاده مشهد - عشق‌آباد مخالفت کرد (این جاده کالسکه‌رو با نفوذ روسیه سرانجام احداث شد)، (اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف‌الدوله، ص ۱۸۳-۱۸۴؛ کرزن، ج ۱، ص ۱۳۸) تأسیس سرکنسولگری‌های انگلیس و روسیه در مشهد (۱۳۰۶ ق. / ۱۸۸۹ م.) نشان دیگری از اهمیت خراسان و شهر مشهد در سال‌های آغازین قرن چهاردهم قمری است (Keddie, pp. ۸۹-۹۲).

انتصاب مراد میرزا حسام‌السلطنه به حکمرانی خراسان که یکی از والیان صاحب نفوذ به شمار می‌رفت، دلیل دیگری بر اهمیت این ایالت و شهر مشهد در دوران مورد بحث است. مرگ مراد میرزا پایانی بود بر حکومت یکساله وی که دوران حکمرانی رکن‌الدوله را به دنبال داشت و به علت تصرف سرخس توسط روسیه نیز ضرورت انتصاب حاکمی قدرتمند محسوس بود. ناصرالدین شاه، عبدالوهاب خان آصف‌الدوله را با تاکید بر ممنوعیت دریافت رشوه از روسیه و انگلیس و متنفذان خراسان و مدارا با آنها برای ایجاد نظم در این ایالت، به حکمرانی خراسان برگزید. حکومت وی از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳ ق. ادامه یافت (اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف‌الدوله، ص ۵۸، ۶۴) و در این مدت موفق به تحدید قدرت حاکمان، متنفذان، علما و ملاکان خراسان شد (اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف‌الدوله، ص ۸۷، ۱۴۲؛ افضل‌الملک، ظفرنامه عضدی، ص ۱۹۴، جلالی، ص ۱۵۲). استفاده از محمد علی قراچه داغی برای تعدیل وضع مذهبی مشهد از دیگر اقدامات وی بود (اعتماد السلطنه، المآثر و الآثار، ج ۱، ص ۲۳۷). وی با نظارت بر موقوفات و هزینه‌های آستان قدس رضوی، میزان دخل خرج آن را تثبیت کرد (میرزا عبدالوهاب خان آصف‌الدوله، ص ۹۳-۹۶، ۱۳۰، ۱۴۹، ۱۷۳، ۱۷۵، ۲۴۷-۲۴۸). اقدامات وی زمینه مخالفت علما و وقوع شورش در مشهد را فراهم کرد که به محاصره ارگ حکومتی، پاره کردن سیم تلگراف مشهد به تهران و عزل وی منجر شد (اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف‌الدوله، ص ۱۸۱، ۱۹۴؛ اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۴۰۱؛ ریاضی هروی، ص ۹۶-۹۷). پیامد این رخداد، آگاهی علمای خراسان و مردم از امکان مقابله با دولت مرکزی بود. اگرچه علت تغییر والیان بعدی از جمله محمود خان قراگوزلو و رکن‌الدوله چندان مشخص نیست، عزل صاحب دیوان، موید الدوله، غلامرضا خان آصف‌الدوله شاهسون و سلطان حسین میرزا نیرالدوله را می‌توان در نارضایی اجتماعی خراسان جستجو کرد.

امتیاز رژی و واقعه تحریم تنباکو (۱۳۰۸-۱۳۰۹ ق/۱۸۹۱ م). از دیگر نشانه‌های همسویی خراسان و به ویژه شهر مشهد با روند دگرگونی‌های اجتماعی - سیاسی بود. برخی مسئولان مشهد و سرخس برای همراهی با ماموران شرکت رژی به واسطه بیم از روسیه تردید داشتند و برخی بازرگانان با این شرکت همکاری نکردند که این امر بی‌نتیجه ماند و موظف به امضای تعهدنامه برای رعایت اصول شرکت رژی برای خرید و فروش تنباکو شدند. اما مدتی بعد در صفر ۱۳۰۹ ق. بازرگانان دست به اعتراض زدند و در صحن مسجد گوهرشاد تجمع کردند. وعده والی برای گفتگو با ناصرالدین شاه نیز مانع از این تجمع نشد (Keddie, pp. ۹۰-۹۱). سه تن از روحانیون و تعدادی از طلبه‌ها در تهییج بازرگانان نقش داشتند (Keddie, pp. ۹۱؛ اسناد سیاسی دوره قاجاریه، ص ۴۳-۴۴؛ امین الدوله، ص ۱۶۷). اقدامات دولت مرکزی و والی خراسان در ممانعت از شورش اهالی مشهد بر ضد شرکت رژی بی‌نتیجه ماند تا این که تلگرام ناصرالدین شاه مبنی بر صدور حکم دستگیری و اعدام معترضان همراه با شایعه‌پراکنی کنسولگری انگلیس مبنی بر احتمال مداخله روسیه در خراسان، به خاتمه تجمع منجر شد (محمدعلی غفاری، ص ۱۶۷). اما اعتراضات کمابیش ادامه یافت و صدور فتوای تحریم تنباکو و لغو امتیاز به نارضایی‌ها در مشهد خاتمه داد (محمدعلی غفاری، ص ۱۷۷؛ اصفهانی کربلائی، ص ۱۷۰). حدود چهار ماه پس از لغو امتیاز تنباکو، خراسان درگیر اپیدمی وبای بخارا شد و مرگ و میر در شهرها و روستاهای خراسان، تأثیر بسیاری در رکود فعالیت‌های اجتماعی داشت. یک پنجم اهالی مشهد در شهر باقی ماندند و بیشتر مردم این مصیبت را نتیجه گناه خود دانسته و از اعمال گذشته خود ابراز ندامت می‌کردند و در انزوا به سر می‌بردند (ناطق، ص ۲۳۹-۲۴۱؛ اعتماد السلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۸۱۴؛ ریاضی هروی، ص ۱۰۶) از اینروست که برخی

پژوهشگران تاریخ مشروطیت چون مهدی ملکزاده چنین دیدگاهی را مطرح کرده‌اند که «هیچ‌وقت خراسان در راه مشروطیت قدم موثری بر نداشت.» (ملکزاده، ۴۵۵)

تنها تحرک جمعی و شاخص اهالی خراسان که بخشی از اعتراضات در سراسر ایران بود، ابزار نارضایی نسبت به انتصاب مسیو نوز بلژیکی به ریاست کل امور گمرکات کشور بود که در اواخر سال ۱۳۱۷ ق. رخ داد و با ارائه توضیحات ماموران والی و اعلانات درخصوص کار گمرک و نظارت دولت بر آن، این اعتراضات نیز پایان یافت (یوسف خان هراتی، گزارش (گ) ۴۷، ۲۹ ذی القعدة ۱۳۱۷؛ گ. ۴۸، ۷ ذی الحجة ۱۳۱۷). ناامنی در راه‌ها و کوتاهی نیروهای دولتی در حفظ امنیت نسبی از دیگر مسائلی بود که نارضایی اهالی مشهد و دیگر شهرهای خراسان را به دنبال داشت. در سال ۱۳۱۷ ق. نیروهای نظامی مستحفظ راه‌ها با دزدان تبانی می‌کردند. (ریاضی هروی، ۱۳۵) این وضعیت کمابیش تا یک دهه بعد نیز ادامه داشت. به گونه‌ای که در آخرین ماه‌های حکمرانی مظفرالدین شاه نیز آن گاه که مردم مشهد تجارت‌خانه و منزل تاجری ارمنی را غارت کردند، نیروهای نظامی هم به آنها پیوستند (جبل‌المتین، س ۱۲، ش ۴۰، ۶ جمادی الاول ۱۳۲۳ ق، ص ۵).

اگرچه از فضای فکری حاکم بر خراسان و مشهد تا پیش از نهضت مشروطه اطلاع دقیقی در دست نیست، می‌دانیم که میرزا صادق ادیب‌الممالک فراهانی، روزنامه ادب را در رمضان سال ۱۳۱۸ ق. در مشهد منتشر کرد و «علم پلطیک و سیاسی را به واسطه این روزنامه [در خراسان] منتشر ساختند» (روزنامه ادب، سال (س) ۱، شماره (ش) ۱، ۴ رمضان ۱۳۱۸، ص ۱). هم‌چنین، تا سال ۱۳۱۸ ق. بخشی از مخاطبان روزنامه‌های فارسی‌زبان چاپ هند و مصر را اهالی خراسان تشکیل می‌دادند (یوسف خان هراتی، گزارش ۹۰، ۵ ذی‌الحجة ۱۳۱۸ ق.). از این‌روست که ورود این روزنامه‌ها به خراسان ممنوع می‌شود. مخاطبان این روزنامه‌ها نیز دولت‌های روسیه و انگلیس را از عوامل این ممنوعیت قلمداد کردند و باور داشتند که به تحریک آنها و برای ممانعت از بیداری مردم ایران، ورود این روزنامه‌ها به خراسان ممنوع شده است (همانجا).

مهاجران قفقازی که به مشهد مهاجرت کرده بودند و در تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی این شهر نقش داشتند، در تحولات مربوط به انقلاب مشروطه و رویدادهای دوره‌ی استبداد صغیر ایران نیز تلاش‌هایی را انجام دادند و به صورت فردی و جمعی نقش مهمی در رویدادهای دوره‌ی مشروطه و استبداد صغیر ایران داشتند (عباسی و نجف‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۷). حیدرخان عمو اوغلی از جمله این مهاجران است. وی که در ۱۳۲۰ ق. به عنوان مهندس برق و برای به کار انداختن کارخانه برق مشهد، از باکو به مشهد نقل مکان کرد، از رکود اجتماعی و فکری مشهد در سال‌های پیش از مشروطیت حکایت می‌کند. حیدرخان درخصوص ناآگاهی مردم نسبت به اوضاع اجتماعی چنین می‌نویسد:

«هنوز اسمی از مشروطه در میان نبود، گاهی که من بعضی صحبت‌ها در این باب با آنها می‌داشتم آن را حمل بر یک چیز فوق‌العاده کرده مطلقاً ملتفت نمی‌شدند که نتیجه آن چه خواهد شد.» (عمو اوغلی، ص ۲۴)

وی درباره بی‌تفاوتی مردم مشهد نیز یادآور می‌شود که در تمام مدت یازده ماه اقامت در خراسان، «کله‌های مردم بقدری نارس بود که سعی من در این ایام بی‌نتیجه ماند و مطلقاً کلمات مرا درک نمی‌کردند» و بدین ترتیب بود که اقدامات او برای تشکیل «فرقه سیاسی» بی‌نتیجه ماند و حیدرخان عمو اوغلی در رجب ۱۳۲۱ ق.